

A Comparative Study of Old and New Urban Neighborhoods Based on a Human-Centered Approach (Case Study: Imamzadeh Yahya and Marzadaran Neighborhoods, Tehran)*

Abstract

This study investigates the implications of Tehran's rapid and uneven urbanization on the quality of life and the realization of human-centered urban indicators, emphasizing the sharp contrast between historic and newly developed neighborhoods. Over recent decades, the expansion of automobile-oriented development, population densification, and socio-spatial fragmentation have deepened inequalities across the urban fabric, producing environments that challenge the principles of human-centered urbanism. Within this context, the research conducts a comparative analysis of two neighborhoods with distinct morphological and social characteristics -Emamzadeh Yahya, representing Tehran's historic core, and Marzadaran, symbolizing its modern expansion- to identify their respective strengths, deficiencies, and potential pathways for integrating diverse urban qualities into a cohesive model of sustainable urban life. The study employs a mixed-methods approach that integrates quantitative measurement with qualitative interpretation. In the quantitative phase, data were collected from 384 residents (192 from each neighborhood) using a standardized questionnaire developed around six core dimensions of human-centered urbanism: physical-spatial, socio-cultural, environmental, economic-functional, identity-historical, and technological-innovative. Statistical analyses, including independent samples t-tests, MANOVA, and structural equation modeling (SEM), were used to examine both the magnitude of differences and interrelationships among variables. In the qualitative phase, semi-structured interviews and systematic field observations were conducted with residents and local experts to explore lived experiences, neighborhood identity, and the dynamics of everyday interaction. Thematic analysis was then applied to synthesize key insights and complement the quantitative findings. Results indicated a clear divergence between the two case studies. Emamzadeh Yahya demonstrated stronger realization of socio-cultural and identity-historical indicators, where social cohesion, neighborly solidarity, and preservation of cultural heritage enhanced place attachment and social capital. However, infrastructural decay, limited public services, and inadequate maintenance restricted the fulfillment of physical and functional indicators. In contrast, Marzadaran exhibited significant advantages in physical-spatial, economic-functional, and technological-innovative aspects. Planned urban design, accessible amenities, and digital infrastructure contributed to higher operational efficiency and comfort, yet weak inter-

Received: 02 Aug 2025

Received in revised form: 11 Sep 2025

Accepted: 23 Sep 2025

Sara Ghodrat Samani¹ 

Master Student in Urban Design, Department of Urbanism, Faculty of Art and Architecture, University of Hamedan, Hamedan, Iran.
E-mail: E-mail: s.ghodratsamani@art.basu.ac.ir

Hamed Abbasi²  (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Urbanism, Faculty of Art and Architecture, University of Hamedan, Hamedan, Iran.
E-mail: h.abbasi@basu.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.405388.673133>

personal relationships and a lack of shared collective identity limited its social sustainability. The comparative analysis revealed that neither neighborhood independently achieves a comprehensive realization of human-centered urbanism, as each fulfills only part of the multidimensional requirements of sustainable urban quality. Emamzadeh Yahya represents community cohesion, cultural continuity, and identity-based attachment, whereas Marzadaran embodies modernity, functionality, and technological advancement. Consequently, achieving balanced and inclusive urban development in Tehran requires an integrated and context-sensitive approach that merges the socio-cultural and identity-driven values of historic districts with the physical, economic, and innovative capacities of modern neighborhoods. Conceptually, the study aligns with emerging global discourses on human-centered cities, inclusive urban regeneration, and 15-minute neighborhoods, while contributing a localized framework adapted to the socio-spatial realities of Iranian cities. Practically, it offers evidence-based insights for policymakers, planners, and urban designers to formulate regeneration strategies that preserve local identity while enhancing infrastructure, services, and technological efficiency. By bridging theoretical and empirical perspectives, the study fills a critical gap in existing research and proposes a comprehensive model for regenerating and improving urban quality of life within the broader context of Iranian metropolitan development.

Keywords: contemporary urban neighborhoods, historic urban neighborhoods, human-centered urbanism, Tehran metropolitan context, texture

Citation: Ghodrat Samani, Sara, & Abbasi, Hamed. (2025). Classification of optimal spatial configuration in affordable housing using space syntax. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 30(3), 43-55. (in Persian)



© Authors retain the copyright and the full publishing.

Publisher: University of Tehran Press.

مطالعه تطبیقی محلات قدیمی و جدید شهری بر مبنای رویکرد انسانی (نمونه موردی: دو محله امامزاده یحیی و مرزداران، شهر تهران)*

چکیده

روند فزاینده شهرنشینی در تهران طی دهه‌های اخیر، دوگانگی چشمگیری میان محلات تاریخی و جدید ایجاد کرده است؛ دوگانگی‌ای که تحقق شاخص‌های انسان‌گرایانه و دستیابی به کیفیت زندگی شهری را با چالش‌های چندبعدی مواجه ساخته است. هدف پژوهش حاضر، تحلیل تطبیقی میزان تحقق این شاخص‌های

انسان‌گرایانه در دو محله امامزاده یحیی به‌عنوان بافت تاریخی و مرزداران

به‌عنوان بافت جدید است. پژوهش با رویکرد ترکیبی (کمی-کیفی) و با بهره‌گیری از روش‌های آماری پیشرفته انجام شد؛ داده‌های کمی از طریق پرسش‌نامه استاندارد و تحلیل‌های آماری تی مستقل (t-test)، تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل مضمون گردآوری و بررسی شدند. نتایج نشان داد محله امامزاده یحیی در شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی و هویتی-تاریخی تفاوت معناداری در جهت مثبت دارد، در حالی که تفاوت معنادار مثبت محله مرزداران در ابعاد کالبدی-فضایی، اقتصادی-عملکردی و فناوریانه-نواورانه است. در مجموع، هیچ‌یک از دو محله به‌تنهایی قادر به تحقق همه‌جانبه اصول انسان‌گرایی در شهرسازی نیستند. بر این اساس، اتخاذ رویکردی تلفیقی و میان‌رشته‌ای که ظرفیت‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی بافت‌های تاریخی را با توانمندی‌های کالبدی، اقتصادی و فناوریانه محلات جدید ترکیب کند، می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای پایدار کیفیت زندگی شهری در تهران و سایر کلان‌شهرهای ایران باشد.

واژه‌های کلیدی: بافت، رویکرد انسانی، شهر تهران، محلات قدیمی، محلات جدید

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

سارا قدرت سامانی^۱: کارشناسی ارشد طراحی شهری، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

E-mail: s.ghodratsamani@art.basu.ac.ir

حامد عباسی^۲ (نویسنده مسئول): دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

E-mail: h.abbasi@basu.ac.ir

<https://doi.org/10.22059/jfaup.2026.405388.673133>

استناد: قدرت سامانی، سارا و عباسی، حامد (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی محلات قدیمی و جدید شهری بر مبنای رویکرد انسانی (نمونه موردی: دو محله امامزاده یحیی و مرزداران، شهر تهران). نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ۳۰(۳)، ۴۳-۵۵.

مقدمه

روند سریع شهرنشینی در کلان‌شهرهای معاصر، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، تغییرات قابل توجهی در سازمان فضایی و کیفیت زندگی ساکنان ایجاد کرده است. این تحولات اغلب با گسترش بی‌رویه کالبدی، سلطه خودرو و تضعیف تعاملات اجتماعی همراه بوده و از نیازهای اساسی انسانی فاصله گرفته‌اند (نصیری^۱ و همکاران، ۱۴۰۱). در واکنش به این چالش‌ها، رویکردهای انسان‌گرایانه در شهرسازی به‌عنوان چارچوبی انتقادی و اصلاح‌گر مطرح شده‌اند. این رویکردها با تأکید بر تقدم نیازهای انسانی بر کارکردهای صرف کالبدی، شاخص‌هایی مانند سرزندگی فضاهای عمومی، تعامل اجتماعی، پیاده‌مداری و تقویت حس تعلق به مکان را مورد توجه قرار می‌دهند (کمرروستا و باباخانی^۲، ۱۳۹۸). شواهد داخلی نشان می‌دهد که بی‌توجهی به اصول انسان‌گرایی در طراحی شهری نه تنها کیفیت زندگی ساکنان را کاهش می‌دهد، بلکه منجر به افزایش نارضایتی اجتماعی و تضعیف سرمایه اجتماعی نیز می‌شود (فرازی^۳، ۱۴۰۰). همچنین تحقیقات نظری در ایران بر ضرورت بازتعریف الگوهای طراحی شهری با توجه به هویت محلی و ارزش‌های فرهنگی تأکید دارند، زیرا فقدان این ارتباط موجب گسست میان ساکنان و محیط شهری می‌شود (اصلانی^۴ و همکاران، ۱۳۹۲). در سطح جهانی نیز، مفهوم «شهرهای انسان‌گرا» جایگاه فزاینده‌ای در ادبیات تخصصی یافته است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ایجاد محیط‌های شهری انسان‌مدار می‌تواند رضایت، عدالت اجتماعی و سلامت روانی ساکنان را ارتقا بخشد (شیرویه‌پور و همکاران^۵، ۱۴۰۲). توسعه مدلهایی مانند «محلات ۱۵ دقیقه‌ای» نیز نشان می‌دهد که سازمان‌دهی کارکردهای شهری بر اساس دسترسی عادلانه و آسان، علاوه بر افزایش پایداری حمل‌ونقل، موجب تقویت روابط اجتماعی و سرزندگی محلات می‌شود (گراس-گاریدو^۶ و همکاران، ۲۰۲۱). مطالعات همچنین نشان می‌دهند که فناوری‌های نوین و ابزارهای هوشمند، در صورتی که در چارچوب انسان‌گرایانه به کار گرفته شوند، می‌توانند کیفیت زندگی شهری را بهبود دهند، به‌ویژه در ارتقای عدالت اجتماعی (هیتلینگر و کامبر^۷، ۲۰۱۸). با این حال، تأکید بیش‌ازحد بر فناوری بدون توجه به ابعاد اجتماعی ممکن است به نابرابری فضایی و حذف گروه‌های آسیب‌پذیر منجر شود (وان و گل^۸ و همکاران، ۲۰۲۴). در ایران، پژوهش‌های متعددی کیفیت زندگی در محلات قدیمی و جدید را مقایسه کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که محلات تاریخی، علی‌رغم ضعف‌های کالبدی، دارای سرمایه اجتماعی و هویت مکانی قوی‌تری هستند، در حالی که محلات جدید، اگرچه از زیرساخت‌های مدرن برخوردارند، غالباً فاقد پیوندهای اجتماعی پایدار و حس تعلق مشترک میان ساکنان هستند (باستانیان شاهگلی^۹ و همکاران، ۱۳۹۷؛ زارعیان^{۱۰} و همکاران، ۱۳۹۹). با وجود این یافته‌ها، مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که اغلب مطالعات پیشین یا به‌صورت تک‌بعدی به شاخص‌های کالبدی یا اجتماعی پرداخته‌اند، یا بدون رویکرد مقایسه‌ای انجام شده‌اند. به‌ویژه در کلان‌شهری مانند تهران، پژوهش‌های مقایسه‌ای میان محلات قدیمی و جدید با چارچوب نظری انسان‌گرایی محدود است (حسینی‌نژاد^{۱۱} و همکاران، ۱۳۹۵).

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد مقایسه‌ای، دو محله با ویژگی‌های متضاد — امامزاده یحیی به‌عنوان بافت تاریخی و هویت‌مند و مرزداران به‌عنوان بافت جدید و مدرن — را در چارچوب شاخص‌های انسان‌گرایانه

شهرسازی تحلیل می‌کند. هدف این مقایسه، شناسایی نقاط قوت و ضعف هر الگو و ارائه الگویی بومی برای ارتقای کیفیت زندگی شهری در تهران است. اهداف تحقیق عبارت‌اند از: (۱) شناسایی میزان تحقق شاخص‌های انسان‌گرایانه در محلات قدیمی و جدید تهران، (۲) تحلیل تطبیقی تجربه زیست ساکنان در دو محله و (۳) ارائه راهکارهایی برای ارتقای کیفیت محیطی و اجتماعی محلات بر اساس رویکرد انسان‌گرایانه. بر اساس این اهداف، پرسش‌های پژوهش شامل میزان تحقق شاخص‌های انسان‌گرایانه در هر محله، تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان محلات و راهکارهای بهبود کیفیت زندگی شهری است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از حیث ماهیت، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است و در چارچوب مطالعات انسان‌گرایانه در شهرسازی انجام شده است. منطق اصلی پژوهش بر مقایسه میزان تحقق شاخص‌های انسان‌گرایانه در دو نوع بافت شهری متفاوت استوار است؛ از این رو، چارچوب نظری تحقیق با اتکا به ادبیات معتبر داخلی و بین‌المللی تدوین و شاخص‌های انسان‌گرایانه در شش بُعد کالبدی-فضایی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی، اقتصادی-عملکردی، هویتی-تاریخی و فناوری-نوآورانه استخراج شد. این شاخص‌ها مبنای طراحی ابزار گردآوری داده‌ها و تحلیل تطبیقی دو محله منتخب قرار گرفتند. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ساکنان دو محله امامزاده یحیی به‌عنوان نمونه‌ای از بافت تاریخی و مرزداران به‌عنوان نمونه‌ای از بافت جدید در شهر تهران است. با توجه به گستردگی جامعه آماری و محدودیت‌های اجرایی پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم جمعیت هر محله استفاده شد تا نمایندگی مناسب هر دو جامعه محلی تضمین شود. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۵ درصد، ۳۸۴ نفر محاسبه شد که به‌صورت برابر شامل ۱۹۲ نفر از هر محله است. این حجم نمونه از نظر آماری کفایت لازم برای انجام تحلیل‌های استنباطی و مدل‌سازی روابط بین متغیرها را دارا است. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در بخش کمی، پرسش‌نامه محقق‌ساخته است که بر اساس ابعاد مدل مفهومی پژوهش طراحی و گویه‌های آن با استفاده از مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند. به‌منظور سنجش روایی محتوایی، پرسش‌نامه در اختیار پنج نفر از خبرگان حوزه شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، نسخه نهایی تدوین شد. پایایی ابزار نیز با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰/۸۷ به دست آمد که نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب گویه‌ها و قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری است. گردآوری داده‌های کمی به‌صورت میدانی و از طریق توزیع مستقیم پرسش‌نامه در میان ساکنان دو محله انجام شد. به‌منظور تکمیل، تعمیق و تبیین نتایج کمی و افزایش اعتبار درونی پژوهش، از رویکرد کیفی مکمل نیز استفاده شد. داده‌های کیفی از طریق مشاهده میدانی نظام‌مند و انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری گردید. مشارکت کنندگان در این بخش شامل ۲۰ نفر از ساکنان دو محله مورد مطالعه (۱۰ نفر از هر محله) و ۵ نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه شهری بودند که به‌صورت هدفمند و با رعایت تنوع در سن، جنسیت، سطح تحصیلات و سابقه سکونت انتخاب شدند. مصاحبه‌ها به‌طور میانگین بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و

● محله مرزداران (بافت مدرن)

محله مرزداران در منطقه ۲ شهرداری تهران و در شمال غرب شهر واقع شده است. این محدوده تا دهه ۱۳۵۰ دارای کاربری باغی و زمین‌های بایر بود و در منابع محلی با نام محمودآباد شناخته می‌شد. به تدریج و با آغاز روند شهرنشینی در نیمه دوم قرن چهاردهم هجری شمسی، گروهی از ساکنان مهاجر اقدام به خرید و ساخت واحدهای مسکونی در این محدوده کردند. در همین دوره، شهرک‌های ژاندارمری و آرمایش به‌عنوان نخستین مجموعه‌های مسکونی سازمان‌یافته در این محله شکل گرفتند. توسعه کالبدی مرزداران در دهه‌های بعد با توجه به دسترسی مستقیم به بزرگراه‌های حکیم، جلال آل احمد، شیخ فضل‌الله نوری و اشرافی اصفهانی شتاب بیشتری گرفت و این محدوده به یکی از کانون‌های سکونت مدرن تهران تبدیل شد. امروزه ساختار فضایی محله شامل شبکه‌ای از معابر عریض، مجتمع‌های مسکونی میان‌مرتبه و بلندمرتبه و کاربری‌های خدماتی و رفاهی متنوع است که آن را از محلات تاریخی و سنتی مرکز شهر متمایز می‌سازد (ویکی‌پدیا) (تصویر ۲).

تصویر ۲. تصویر هوایی محله مرزداران (توپومپ)



پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی در حوزه شهرسازی انسان‌گرا نشان می‌دهد که تاکنون مطالعات متعددی در زمینه نقش پیاده‌مداری، کیفیت زندگی شهری، هویت محلات قدیم و جدید و همچنین طراحی انسان‌محور در مقیاس شهری و محلی انجام شده است. این تحقیقات، چه در زمینه‌های نظری و چه در مطالعات میدانی، هر کدام ابعادی از انسان‌گرایی در شهرسازی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این پژوهش، از این پیشینه‌ها به‌عنوان مبنایی برای مقایسه و تحلیل وضعیت دو محله امام‌زاده یحیی و مرزداران در شهر تهران استفاده خواهد شد.

مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هرچند پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد انسان‌گرایی در شهرسازی پرداخته‌اند، اما بیشتر آن‌ها یا بر یک بعد خاص مانند پیاده‌مداری، کیفیت زندگی یا هویت محلی متمرکز بوده‌اند (فرازی، ۱۴۰۰؛ زارعیان و همکاران، ۱۳۹۹؛ نسترن و همکاران، ۱۳۹۴) یا با رویکردی نظری به‌مرور مفاهیم و دیدگاه‌های انسان‌گرایانه بسنده کرده‌اند (کمر وستا و باباخانی، ۱۳۹۸). در سطح بین‌المللی نیز بخش مهمی از پژوهش‌ها بر تلفیق انسان‌گرایی با فناوری‌های نوین و مفهوم شهرهای هوشمند تمرکز دارد (وان و گل و همکاران، ۲۰۲۴). با وجود این، کم‌تر مطالعاتی به مقایسه تطبیقی میان محلات قدیمی و جدید شهری در بستر

پیرامون محورهای همچون هویت مکانی، تعاملات اجتماعی، کیفیت کالبدی محیط، خدمات و فعالیت‌های اقتصادی، بهره‌گیری از فناوری‌های شهری و شرایط زیست‌محیطی هدایت شد. تحلیل داده‌های کیفی بر اساس رویکرد تحلیل تماتیک و مطابق با الگوی براون و کلارک^{۱۲} (۲۰۰۶) انجام گرفت و فرایند کدگذاری در سطوح باز، محوری و انتخابی به استخراج تم‌ها و الگوهای تجربی منجر شد. روش تحلیل داده‌ها در این پژوهش ترکیبی از تحلیل‌های توصیفی و استنباطی است. در بخش توصیفی، از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی برای تبیین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان و وضعیت متغیرهای اصلی استفاده شد. در بخش استنباطی، از آزمون t مستقل به‌منظور مقایسه میانگین ابعاد انسان‌گرایانه در دو محله و تحلیل واریانس چندمتغیره^{۱۳} برای بررسی تفاوت‌های هم‌زمان این ابعاد به کار گرفته شد. علاوه بر این، به‌منظور بررسی روابط علی و ساختاری میان ابعاد مختلف انسان‌گرایانه، از مدل‌سازی معادلات ساختاری^{۱۴} با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس^{۱۵} بهره گرفته شد. در نهایت، یافته‌های حاصل از تحلیل‌های کمی با نتایج کیفی تلفیق شد تا تصویری جامع، منسجم و معتبر از میزان تحقق شاخص‌های انسان‌گرایانه در محلات مورد مطالعه ارائه گردد و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها در بستر اجتماعی، فرهنگی و کالبدی شهر تهران به‌صورت دقیق تبیین شود.

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش شامل دو محله با ویژگی‌های متضاد در شهر تهران است که به‌عنوان نمونه‌های نمایانگر بافت‌های تاریخی و مدرن شهری انتخاب شده‌اند؛

● محله امام‌زاده یحیی (بافت تاریخی)

محله امام‌زاده یحیی در منطقه ۱۲ شهر تهران و در محدوده بافت تاریخی عودلاجان قرار دارد. این محله به‌واسطه وجود آرامگاه امام‌زاده یحیی، از نوادگان امام زین‌العابدین^(ع)، شکل گرفته و قدمت آن به دوره سلجوقیان بازمی‌گردد. در دوره قاجار، این محدوده یکی از مراکز مهم سکونت و فرهنگی تهران بود و نمونه‌های متعددی از خانه‌های تاریخی متعلق به رجال سیاسی و اجتماعی آن دوره در آن ساخته شد (از جمله خانه دبیرالملک و خانه مدرس). ساختار فضایی محله متشکل از کوچه‌های باریک، بافت متراکم مسکونی و عناصری همچون درختان کهن سال است که نشان‌دهنده الگوی سنتی سکونت در بافت مرکزی تهران به شمار می‌رود. در حال حاضر، به دلیل فرسودگی کالبدی و کاهش تراکم جمعیتی، این محله در زمره محدوده‌های هدف برنامه‌های بازآفرینی شهری و حفاظت میراث فرهنگی قرار گرفته است (ویکی‌پدیا^{۱۶}) (تصویر ۱).

تصویر ۱. تصویر هوایی محله امام‌زاده یحیی (توپومپ^{۱۷})



جدول ۱. پیشینه پژوهش (یافته‌های پژوهش)

ردیف	نویسنده	سال	عنوان پژوهش	نتایج کلیدی و یافته‌ها
۱	اصلانی و همکاران	۱۳۹۲	طراحی فضاهای شهری با تأکید بر زمینه انسان گرایانه	طراحی بر اساس نیازهای انسانی موجب تقویت حس تعلق و بهبود کیفیت تجربه شهری می‌شود.
۲	نسترن ^{۱۸} و همکاران	۱۳۹۴	کیفیت زندگی در محلات قدیم و جدید ارومیه	مقایسه نشان می‌دهد بافت قدیمی از انسجام اجتماعی بالاتر اما امکانات کم‌تر برخوردار است.
۳	حسینی‌نژاد و همکاران	۱۳۹۵	کیفیت زندگی در محلات شهری (حاجی‌آباد فارس)	هویت اجتماعی و کالبدی نقش کلیدی در ارتقای کیفیت زندگی ساکنان دارد.
۴	قانع ^{۱۹} و همکاران	۱۳۹۶	کیفیت زندگی در محلات قلعه‌شهر بافق	بهبود شاخص‌های اجتماعی و کالبدی در ارتقای زندگی شهری تأکید دارد.
۵	باستانیان شاهگل ^{۲۰} و همکاران	۱۳۹۷	کیفیت زندگی در بافت‌های قدیم و جدید تبریز (مرزداران و کوچه‌باغ)	محلات قدیمی دارای انسجام اجتماعی و تعلق مکانی بیشتری هستند، در حالی که محلات جدید از لحاظ خدمات شهری قوی‌ترند.
۶	کمرروستا و باباخانی	۱۳۹۸	تأملی بر نظریه‌های انسان‌گرایانه در شهرسازی	تحلیل نظریه‌های انسان‌گرایانه و کاربرد آن‌ها در بهبود عدالت فضایی و کیفیت محیطی
۷	زارعیان و همکاران	۱۳۹۹	کیفیت زندگی در بافت تاریخی یزد	حس تعلق و هویت فرهنگی در بافت تاریخی عامل مهم ارتقای کیفیت محیطی و اجتماعی است.
۸	کلبدی ^{۲۱} و همکاران	۱۳۹۹	پایداری محلات شهری با تأکید بر کیفیت محیط (سنگلج تهران)	نشان می‌دهد محلات قدیمی با هویت تاریخی نقش مهمی در پایداری اجتماعی و محیطی دارند.
۹	فرازی	۱۴۰۰	نقش پیاده‌مداری بر سرزندگی و پایداری شهری (بلوار چمران شیراز)	پیاده‌مداری عامل مهم ارتقای سرزندگی، تعامل اجتماعی و پایداری محیط شهری است.
۱۰	نصیری و همکاران	۱۴۰۱	آینده‌نگاری مشارکت‌محور مبتنی بر شهرسازی انسان‌گرا در تهران	مشارکت‌محور بودن برنامه‌ریزی شهری موجب افزایش کیفیت زندگی و پایداری در بافت‌های شهری می‌شود.
۱۱	هیتلینگر و کامبر	۲۰۱۸	حق به شهر هوشمند در دنیای فراتر از انسان	مفهوم «حق به شهر» و بازاندیشی در طراحی شهری با رویکرد انسان‌گرا و فراتر از انسان.
۱۲	جیانگ ^{۲۲}	۲۰۱۹	تمامیت الکساندر و طراحی شهری پایدار	نظریه «کلیت» الکساندر را به عنوان پایه‌ای برای طراحی پایدار انسان‌محور معرفی می‌کند.
۱۳	گراس-گاریدو و همکاران	۲۰۲۱	دسترس‌پذیری شهری ۱۵ دقیقه‌ای در بارسلونا	نشان داد دسترسی محلی و طراحی فشرده شهری کیفیت حرکت و تجربه شهری را بهبود می‌دهد.
۱۴	بوئینگ ^{۲۳} و همکاران	۲۰۲۱	تحلیل‌های شهری: تاریخچه، مسیر و نقد	مرور انتقادی تحلیل‌های شهری و تأکید بر لزوم بازگشت به انسان‌گرایی در شهرسازی داده‌محور.
۱۵	وان و گل و همکاران	۲۰۲۴	طراحی شهری محاسباتی انسان‌محور	طراحی بهینه محلات پرتراکم برای بهبود رفاه ذهنی و سلامت شهروندان.
۱۶	رودریگز ^{۲۴}	۲۰۲۴	طراحی شهری انسان‌مدار	مداخلات کوچک انسان‌محور در فضاهای شهری می‌تواند سرزندگی و کیفیت زندگی را افزایش دهد.

شهری و تأثیر آن بر کیفیت زندگی شهروندان متمرکز است، ضروری است که ابتدا پیشینه نظری مرتبط با این رویکرد و مفاهیم همبسته آن مرور و تحلیل شوند.

مبانی نظری این پژوهش با هدف روشن‌سازی ریشه‌های مفهومی انسان‌گرایی در شهرسازی، بررسی نحوه بازتاب آن در ادبیات بین‌المللی و داخلی و تبیین ارتباط آن با کیفیت زندگی شهری تدوین شده است. بدین ترتیب، چارچوب نظری ارائه‌شده زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا یافته‌های پژوهش نه تنها بر پایه داده‌های تجربی، بلکه در بستر مفاهیم نظری معتبر تفسیر شوند و در نهایت امکان مقایسه و تعمیم نتایج در سطحی گسترده‌تر فراهم گردد.

مقدمه‌ای بر رویکردهای انسان‌محور در طراحی شهری (جدول ۲)
شهرسازی معاصر طی دهه‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های ناشی از رشد بی‌رویه کالبدی، سلطه خودرو و تضعیف روابط اجتماعی مواجه شده است (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱). در واکنش به این شرایط، رویکردهای انسان‌محور در طراحی شهری به عنوان پاسخی

ایران پرداخته است تا تفاوت‌ها و شباهت‌های آن‌ها از منظر شاخص‌های انسان‌گرایی روشن شود. این خلأ پژوهشی اهمیت تحقیق حاضر را دوچندان می‌کند؛ چراکه با بررسی تطبیقی دو محله امامزاده یحیی (به عنوان نمونه‌ای از بافت قدیم) و مرزداران (نمونه‌ای از بافت جدید) می‌توان ابعاد نظری و کاربردی رویکرد انسان‌گرایانه در شهرسازی را در بستر واقعی تهران واکاوی کرد. نوآوری اصلی این تحقیق در ترکیب دیدگاه‌های نظری با تحلیل میدانی و مقایسه‌ای است که می‌تواند راهنمایی عملی برای بهبود کیفیت زندگی در محلات شهری و سیاست‌گذاری‌های آینده فراهم آورد (جدول ۱).

مبانی نظری پژوهش

بررسی و تبیین پدیده‌های شهری بدون اتکا به چارچوب‌های نظری و مفهومی، امکان دستیابی به تحلیلی منسجم و قابل اتکا را فراهم نمی‌کند. در پژوهش‌های حوزه شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری، مبانی نظری نقش کلیدی در جهت‌دهی به پرسش‌ها، انتخاب شاخص‌ها و تفسیر یافته‌ها ایفا می‌کنند. از آنجاکه موضوع این پژوهش بر تحلیل انسان‌گرایی در بستر

انتقادی و اصلاحی مطرح شده‌اند؛ رویکردی که بر تقدم نیازهای انسانی بر کارکردهای صرف کالبدی تأکید دارد و شاخص‌هایی همچون پیاده‌مداری، تعامل اجتماعی، سرزندگی فضاهای عمومی و تقویت حس تعلق به مکان را در مرکز توجه قرار می‌دهد (کمرروستا و باباخانی، ۱۳۹۸). در این رویکرد، شهر نه صرفاً به عنوان یک ساختار کالبدی، بلکه به مثابه بستری برای تجربه زیسته شهروندان تلقی می‌شود. کیفیت این تجربه، به میزان توانایی فضا در پاسخگویی به نیازهای روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی انسان وابسته است. در ادبیات بین‌المللی، ریشه‌های انسان‌محوری را می‌توان در آثار پیشگامانی همچون جین جاکوبز^{۲۴} (۱۹۶۱) جست‌وجو کرد که با نقد شدید الگوهای خودروگرا، ضرورت بازگرداندن مردم به خیابان و تنوع کاربری را مطرح کرد. پژوهش‌های ویلیام وایت^{۲۵} (۱۹۸۰) با تمرکز بر رفتار جمعی در فضاهای عمومی نشان داد که کیفیت فضاهای خرد شهری چگونه بر تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارد. از منظر ادراک محیطی، کوین لینچ^{۲۶} (۱۹۶۰) خوانایی و تصویر ذهنی شهر را شرط ضروری تجربه انسانی از فضا معرفی کرد. همچنین مدل‌های نوینی همچون منشور شهرگرایی نوین^{۲۷} (۱۹۹۶) بر ایجاد محلات فشرده، پیاده‌مدار و کاربری‌های آمیخته تأکید دارند که به ارتقای عدالت فضایی و کاهش وابستگی به خودرو کمک می‌کند. این دیدگاه‌ها به طور گسترده در طراحی شهری به کار گرفته شده‌اند. همچنین، یان گل^{۲۸} (۲۰۱۰) مفهوم «شهر برای مردم» را مطرح کرد که اساس آن بر مقیاس انسانی، سرزندگی و کیفیت حضور شهروندان در فضا است. طراحی شهری انسان‌محور بر پیوند عمیق میان محیط ساخته شده و کیفیت زندگی تأکید دارد (فرازی، ۱۴۰۰). از منظر نظری، ریشه‌های این دیدگاه را می‌توان در آثار اندیشمندانی همچون کریستوفر الکساندر جست‌وجو کرد که مفهوم «کلیت» را مبنای طراحی

پایدار و انسان‌محور معرفی کرد (جیانگ، ۲۰۱۹). در مطالعات معاصر نیز رویکردهای انسان‌محور ابعاد گوناگونی پیدا کرده است. به عنوان نمونه، رودریگز (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که حتی مداخلات کوچک انسان‌محور در فضاهای شهری می‌تواند کیفیت زندگی و سرزندگی را به طور معناداری افزایش دهد. از سوی دیگر، مطالعاتی همچون وان و گل و همکاران (۲۰۲۴) بر اهمیت بهره‌گیری از طراحی محاسباتی برای بهینه‌سازی محیط‌های پرتراکم شهری تأکید دارند، مشروط بر آنکه اولویت اصلی به رفاه ذهنی و سلامت شهروندان داده شود. با این حال، برخی دیدگاه‌ها هشدار می‌دهند که اتکال صرف به فناوری، بدون در نظر گرفتن ابعاد انسانی و اجتماعی، می‌تواند منجر به نابرابری فضایی و حذف گروه‌های آسیب‌پذیر شود (هیتلینگر و کامبر، ۲۰۱۸). از این رو، طراحی انسان‌محور تنها در صورتی می‌تواند کارآمد باشد که با اصول عدالت اجتماعی، شمول‌پذیری و هویت محلی پیوند بخورد (شیرویه پور و همکاران، ۱۴۰۲). در ایران نیز مطالعات نشان داده‌اند که محلات تاریخی، علی‌رغم کاستی‌های کالبدی، به دلیل برخورداری از سرمایه اجتماعی، حس تعلق و هویت محلی، کیفیت زیست شهری مطلوب‌تری را فراهم می‌کنند؛ در حالی که محلات جدید، هرچند از زیرساخت‌های مدرن بهره‌مندند، اغلب فاقد روابط اجتماعی پایدار و انسجام محلی هستند (باستانیان شاهگلی و همکاران، ۱۳۹۷؛ زارعیان و همکاران، ۱۳۹۹). این یافته‌ها اهمیت بومی‌سازی و بازتعریف اصول طراحی انسان‌گرایانه در زمینه شهرهای ایران را بیش‌ازپیش برجسته می‌کند. در این راستا، رویکرد انسان‌محور در طراحی شهری به منزله چارچوبی نظری است که بر ارتقای کیفیت زندگی، تقویت عدالت اجتماعی و بازآفرینی پیوند میان انسان و محیط تأکید دارد. این رویکرد مبنای نظری لازم برای تحلیل تطبیقی محلات قدیمی و جدید شهری را فراهم می‌کند و می‌تواند

جدول ۲. تعاریف و برداشت‌های مختلف از رویکردهای انسان‌محور در طراحی شهری (یافته‌های پژوهش)

نویسنده / سال	تعریف یا برداشت از رویکرد انسان‌محور	کلیدواژه‌ها
اصلانی و همکاران (۱۳۹۲)	طراحی متکی بر نیازهای انسانی و پیوند با ارزش‌های فرهنگی و هویت محلی برای بهبود کیفیت تجربه شهری.	هویت محلی، تعلق مکانی، کیفیت زندگی
کمرروستا و باباخانی (۱۳۹۸)	رویکردی نظری که شاخص‌هایی چون پیاده‌مداری، تعامل اجتماعی و حس تعلق مکانی را محور قرار می‌دهد.	عدالت فضایی، پیاده‌مداری، هویت
فرازی (۱۴۰۰)	طراحی فضاهای شهری برای ارتقای سرزندگی و پایداری از طریق توجه به پیاده‌مداری و نیازهای انسانی.	سرزندگی، تعامل اجتماعی، پایداری
نصیری و همکاران (۱۴۰۱)	واکنشی به چالش‌های ناشی از سلطه خودرو و رشد بی‌رویه کالبدی؛ تأکید بر بازگرداندن نیازهای انسانی به مرکز برنامه‌ریزی شهری.	کیفیت زندگی، مشارکت، انسان‌گرایی
لینچ (۱۹۶۰)	طراحی شهری باید بر اساس درک «تصویر شهری» باشد که به ساکنان کمک کند تا درک بهتری از محیط اطراف خود داشته باشند.	تصویر شهری، مقیاس انسانی، هویت مکانی
جاکوبز (۱۹۶۱)	طراحی شهری باید به گونه‌ای باشد که نیازهای انسانی و اجتماعی را در نظر گیرد و از محیط‌های کالبدی متنوع و فعال استفاده کند.	عدالت اجتماعی، پیاده‌مداری، تنوع محیطی
وایت (۱۹۸۰)	طراحی فضاهای عمومی باید به گونه‌ای باشد که امکان تعاملات اجتماعی و تجربه‌های مشترک را تسهیل کند.	فضاهای عمومی، تعاملات اجتماعی، تجربه شهری
گل (۲۰۱۰)	طراحی شهری باید به نیازهای انسانی پاسخ دهد و از فضاهای عمومی برای تعامل اجتماعی و ایجاد ارتباطات مثبت بین افراد استفاده کند.	طراحی انسانی، فضای عمومی، سرزندگی شهری
هیتلینگر و کامبر (۲۰۱۸)	هشدار نسبت به غلبه فناوری در شهرهای هوشمند؛ لزوم حفظ ابعاد انسانی و عدالت اجتماعی.	عدالت اجتماعی، شهر هوشمند، شمول‌پذیری
جیانگ (۲۰۱۹)	تکیه بر نظریه «کلیت» الکساندر به عنوان بنیانی برای طراحی پایدار و انسان‌محور.	کل‌نگری، پایداری، انسجام فضایی
گراس-گاریدو و همکاران (۲۰۲۱)	سازمان‌دهی شهر در قالب «محلات ۱۵ دقیقه‌ای» برای دسترسی عادلانه و تقویت روابط اجتماعی.	عدالت فضایی، دسترسی، سرزندگی
رودریگز (۲۰۲۴)	مداخلات کوچک انسان‌محور می‌تواند تأثیرات بزرگی بر کیفیت زندگی و سرزندگی شهرها بگذارد.	مداخلات خرد، سرزندگی، کیفیت زندگی
وان و گل (۲۰۲۴)	استفاده از طراحی محاسباتی برای بهینه‌سازی محلات پرتراکم با محوریت رفاه ذهنی و سلامت شهروندان.	سلامت ذهنی، طراحی محاسباتی، تراکم

گرفتن ابعاد انسانی می‌تواند به نابرابری فضایی منجر شود (وان و گل و همکاران، ۲۰۲۴).

● بُعد هویتی - تاریخی

هویت و تاریخ یکی از مؤلفه‌های بنیادین در شکل‌گیری محلات انسان‌محور به شمار می‌آیند. معماری بومی، نمادهای فرهنگی و آیینی و استمرار سنت‌های محلی، بستر شکل‌گیری حس تعلق و انسجام اجتماعی هستند. محلات تاریخی به دلیل برخورداری از این عناصر، به‌طور طبیعی نمونه‌ای از تحقق انسان‌محوری در مقیاس محلی محسوب می‌شوند (زارعیان و همکاران، ۱۳۹۹).

تأثیر کیفیت فضاهای عمومی بر امنیت محیطی

محلات قدیمی و جدید هر کدام به شیوه‌ای خاص بازتاب‌دهنده یا ناکام در تحقق اصول انسان‌محوری هستند.

- محلات قدیمی (مانند بازارچه‌ها، کوچه‌باغ‌ها و بافت‌های تاریخی): این محلات به‌طور طبیعی بر اساس مقیاس انسانی شکل گرفته‌اند. ساختار کالبدی آن‌ها متناسب با حرکت پیاده‌است و فضاهای عمومی کوچک و جمعی، بستر تعامل اجتماعی گسترده‌ای فراهم می‌کنند. حضور بازارچه‌ها و فضاهای آیینی، هویت محلی را تقویت کرده و حس تعلق به مکان را افزایش می‌دهد (باستانیان شاهگلی و همکاران، ۱۳۹۷؛ زارعیان و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین، مصالح بومی و معماری اقلیمی در این محلات با شرایط محیطی سازگار بوده و پایداری زیست‌محیطی بیشتری ایجاد می‌کند (قره‌بگلو و همکاران، ۱۳۹۸).

- محلات جدید (مانند مجتمع‌های مسکونی و نواحی مدرن): این محلات گرچه از زیرساخت‌های مدرن، خدمات شهری متنوع و شبکه حمل‌ونقل پیشرفته برخوردارند، اما غالباً فاقد هویت محلی، انسجام اجتماعی و حس تعلق جمعی هستند. الگوی طراحی آن‌ها معمولاً خودرو محور است که موجب کاهش کیفیت تجربه پیاده‌روی و تعامل اجتماعی می‌شود (نصیری و همکاران، ۱۴۰۱؛ فرازی، ۱۴۰۰). همچنین، استفاده یکسان و کلیشه‌ای از الگوهای کالبدی، مانع شکل‌گیری زمینه‌گرایی و تعلق مکان می‌گردد.

مقایسه میان محلات قدیمی و جدید نشان می‌دهد که محلات تاریخی به‌طور طبیعی انسان‌محور شکل گرفته‌اند؛ زیرا ساختار آن‌ها بر اساس نیازهای روزمره، مقیاس انسانی و تعاملات اجتماعی طراحی شده است. در این محلات، پیاده‌محوری، بازارچه‌های محلی، انسجام اجتماعی و هویت فرهنگی به‌صورت درونی در بافت حضور دارند و همین امر موجب کیفیت بالاتر تجربه زیست شهری می‌شود. در مقابل، محلات جدید گرچه از زیرساخت‌های مدرن، خدمات شهری و امکانات کالبدی بهتری برخوردارند، اما اغلب در تحقق شاخص‌های انسان‌محور ناکام مانده‌اند. الگوی خودرو محور، ضعف در هویت مکانی و کاهش تعاملات اجتماعی از مهم‌ترین چالش‌های این محلات محسوب می‌شوند؛ بنابراین، می‌توان گفت که بازتعریف و بومی‌سازی اصول انسان‌محوری در محلات جدید یک ضرورت است تا این محلات نیز بتوانند همانند بافت‌های قدیمی، بستری برای ارتقای کیفیت زندگی، تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد حس تعلق مکانی باشند.

راهنمایی عملی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آینده باشد.

ابعاد محلات انسان‌محور

محلات انسان‌محور را می‌توان به‌عنوان واحدهای زیستی تعریف کرد که در آن‌ها نیازهای کالبدی، اجتماعی، فرهنگی و روانی ساکنان در اولویت قرار گرفته و طراحی محیطی بر اساس تعامل انسان و فضا شکل می‌گیرد. این محلات برخلاف الگوهای صرفاً عملکردی، با نگاهی کل‌نگر و میان‌رشته‌ای به سازمان‌دهی فضاهای شهری می‌پردازند (جیانگ، ۲۰۱۹). ابعاد اصلی محلات انسان‌محور را می‌توان در چند محور کلیدی زیر دسته‌بندی کرد:

● بُعد کالبدی - فضایی

در این بُعد، طراحی محله بر مبنای مقیاس انسانی، پیاده‌مداری و دسترسی عادلانه به خدمات و فضاهای عمومی استوار است (فرازی، ۱۴۰۰). سازمان فضایی محلات انسان‌محور باید به گونه‌ای باشد که مسیرهای کوتاه و ایمن برای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری فراهم شود. ایده «محلات ۱۵ دقیقه‌ای» نمونه‌ای معاصر از تحقق این بُعد است که بر دسترسی محلی و کاهش وابستگی به خودرو تأکید دارد (گراس - گاریدو و همکاران، ۲۰۲۱).

● بُعد اجتماعی - فرهنگی

محلات انسان‌محور بر ایجاد بسترهای تعامل اجتماعی، حس تعلق و هویت محلی تأکید دارند. فضاهای جمعی همچون میدان‌ها، بازارچه‌ها، پارک‌ها و فضاهای باز نقش مهمی در شکل‌گیری این بُعد ایفا می‌کنند (اصلانی و همکاران، ۱۳۹۲). در این محلات، سرمایه اجتماعی و شبکه‌های غیررسمی میان ساکنان تقویت شده و به انسجام اجتماعی و کاهش انزوا کمک می‌شود (باستانیان شاهگلی و همکاران، ۱۳۹۷).

● بُعد زیست‌محیطی و پایداری

طراحی انسان‌محور به‌شدت با اصول پایداری محیطی پیوند خورده است. کاهش آلودگی هوا و صوتی، ارتقای کیفیت فضاهای سبز و سازگاری با شرایط اقلیمی، از جمله شاخص‌های این بُعد به شمار می‌آیند (حق‌نگهدار ۲۹ و همکاران، ۱۴۰۳). به علاوه، بهره‌گیری از معماری بومی و سازگار با اقلیم می‌تواند کیفیت زیست‌محیطی و رفاه ساکنان را ارتقا بخشد (قره‌بگلو ۳۰ و همکاران، ۱۳۹۸).

● بُعد اقتصادی - عملکردی

محلات انسان‌محور تنها به جنبه‌های کالبدی و اجتماعی محدود نمی‌شوند، بلکه با ایجاد فرصت‌های اقتصادی محلی و پشتیبانی از فعالیت‌های خردبازاری، اقتصاد محلی را نیز تقویت می‌کنند. مطالعات نشان می‌دهد که وجود خرده‌فروشی‌ها و خدمات محلی نقش مهمی در سرزندگی محلات ایفا کرده و از وابستگی بیش‌ازحد به مراکز تجاری بزرگ می‌کاهد (رودریگز، ۲۰۲۴).

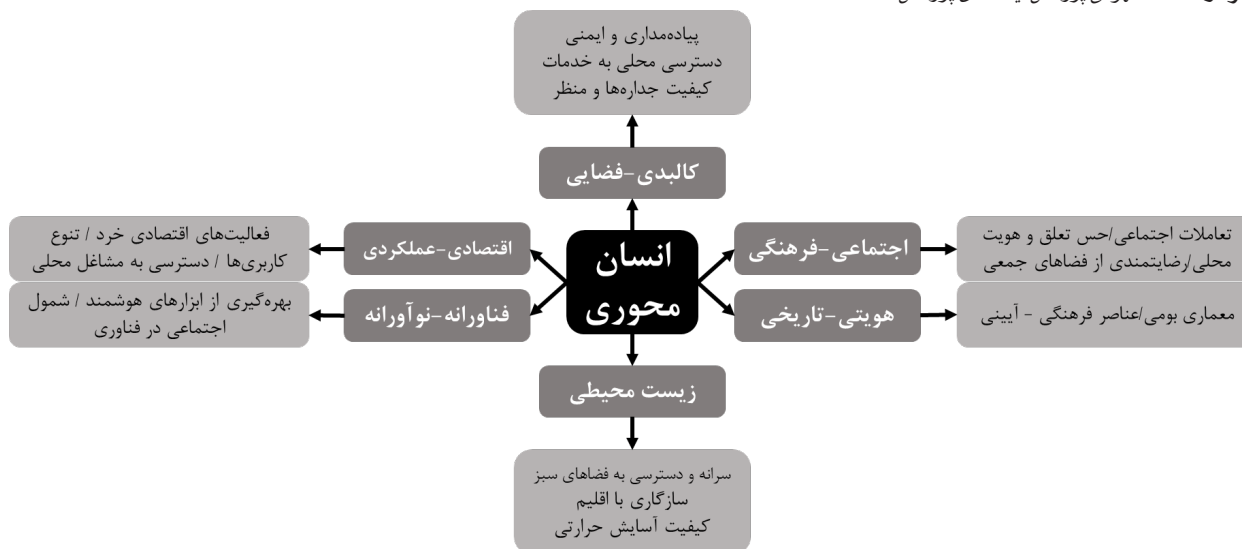
● بُعد فناوری و نوآوری

هرچند انسان‌محوری غالباً در تقابل با شهرهای صرفاً فناوری‌محور تعریف می‌شود، اما بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی در محلات کمک کند. به‌عنوان مثال، ابزارهای هوشمند در صورتی که با عدالت اجتماعی و شمول‌پذیری همراه شوند، می‌توانند کارآمدی خدمات شهری و ایمنی محیطی را ارتقا دهند (شیرویه‌پور و همکاران، ۱۴۰۲؛ هیتلینگر و کامبر، ۲۰۱۸). با این حال، همان‌طور که برخی پژوهش‌ها هشدار داده‌اند، استفاده افراطی از فناوری بدون در نظر

جدول ۳. مقایسه ویژگی‌های انسان‌محور در محلات قدیمی و جدید (یافته‌های پژوهش)

ابعاد	محلات قدیمی (تاریخی)	محلات جدید (مدرن)	منابع
کالبدی - فضایی	مقیاس انسانی، گذرها و کوچه‌های باریک، پیاده‌محوری	طراحی خودرو محور، خیابان‌های وسیع، وابستگی به خودرو	فرازی، ۱۴۰۰؛ نصیری و همکاران، ۱۴۰۱
اجتماعی - فرهنگی	انسجام اجتماعی بالا، سرمایه اجتماعی قوی، حس تعلق مکانی	روابط اجتماعی ضعیف، حس تعلق کم‌تر، هویت محلی کم‌رنگ	باستانیان شاهگلی و همکاران، ۱۳۹۷؛ زارعیان و همکاران، ۱۳۹۹
زیست‌محیطی	سازگاری با اقلیم، استفاده از مصالح بومی، تهویه طبیعی	مصرف انرژی بالا، وابستگی به سیستم‌های مکانیکی	قره‌بگلو و همکاران، ۱۳۹۸
اقتصادی - عملکردی	حضور بازارچه‌ها و خرده‌فروشی‌های محلی، اقتصاد خرد پویا	تمرکز فعالیت‌ها در مراکز تجاری بزرگ، وابستگی به سفرهای طولانی	رودریگز، ۲۰۲۴
هویتی	معماری بومی، نمادهای فرهنگی و آیینی	یکنواختی کالبدی، ضعف در زمینه گرایب فرهنگی	اصلانی و همکاران، ۱۳۹۲؛ جیانگ، ۲۰۱۹

نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش (یافته‌های پژوهش)



مدل مفهومی پژوهش

برای تبیین چارچوب نظری تحقیق، ابعاد انسان‌محوری در مقیاس محلات شناسایی و در قالب مدل مفهومی دسته‌بندی شده‌اند (جدول ۳). این مدل شامل ابعاد کالبدی-فضایی، اجتماعی-فرهنگی، زیست‌محیطی، اقتصادی-عملکردی، هویتی-تاریخی و فناورانه-نوآورانه است که هر کدام با شاخص‌ها و متغیرهای قابل سنجش مشخص شده‌اند. نمودار زیر، ساختار کلی مدل مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد (نمودار ۱).

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر بازتابی از داده‌های گردآوری شده از دو محله مورد مطالعه است که با رویکردی ترکیبی (کمی و کیفی) تحلیل شده‌اند.

یافته‌های کمی

در بخش کمی، نتایج توصیفی و استنباطی به‌منظور شناسایی میزان تحقق شاخص‌های انسان‌گرایانه در هر محله و تفاوت‌های معنادار میان آن‌ها ارائه می‌شود.

آمار توصیفی: جدول ۵ ترکیب جمعیتی پاسخ‌دهندگان در دو محله «امام‌زاده یحیی» و «مرزداران» را نشان می‌دهد. میانگین سن در امام‌زاده یحیی بالاتر و جمعیت آن محله بیشتر متأهل است، در حالی که مرزداران جمعیت جوان‌تر و نسبت بیشتری از افراد مجرد دارد. از نظر تحصیلات، هر دو محله عمدتاً دارای مدرک کارشناسی هستند، اما سهم تحصیلات

بالاتر در مرزداران کمی بیشتر است. مدت سکونت نیز در امام‌زاده یحیی طولانی‌تر است، در حالی که مرزداران بیشتر ساکنان تازه‌وارد دارد. این تفاوت‌ها زمینه لازم برای تحلیل‌های بعدی پژوهش را فراهم می‌کند.

جدول ۵. آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان در دو محله (یافته‌های پژوهش)

متغیر	امام‌زاده یحیی	مرزداران
میانگین سن	۴۷ سال	۳۸ سال
جنسیت	مرد: ۴۳٪ زن: ۵۷٪	مرد: ۵۰٪ زن: ۵۰٪
سطح تحصیلات	دیپلم و پایین‌تر: ۳۵٪ کارشناسی: ۴۵٪ کارشناسی ارشد و بالاتر: ۲۰٪	دیپلم و پایین‌تر: ۲۲٪ کارشناسی: ۵۰٪ کارشناسی ارشد و بالاتر: ۲۸٪
وضعیت تأهل	مجرد: ۲۶٪ متأهل: ۷۴٪	مجرد: ۴۰٪ متأهل: ۶۰٪
مدت سکونت	کم‌تر از ۵ سال: ۱۵٪ ۵-۱۵ سال: ۲۵٪ ۱۵-۳۰ سال: ۳۰٪ بیشتر از ۳۰ سال: ۳۰٪	کم‌تر از ۵ سال: ۴۰٪ ۵-۱۵ سال: ۳۰٪ ۱۵-۳۰ سال: ۲۰٪ بیشتر از ۳۰ سال: ۱۰٪

آزمون t مستقل: برای مقایسه میانگین ابعاد انسان‌گرایانه بین دو محله مورد مطالعه، از آزمون t مستقل استفاده شد. این آزمون امکان سنجش تفاوت میانگین دو گروه مستقل را فراهم می‌کند و مشخص می‌سازد که

می‌دهد و شامل میانگین و انحراف معیار هر بعد در دو محله، مقدار آماره t ، سطح معناداری^{۳۱} و شاخص اندازه اثر^{۳۲} است. این اطلاعات مبنایی برای تفسیر تفاوت‌های ساختاری و عملکردی میان محلات تاریخی و جدید تهران فراهم می‌کند (جدول ۶).

آیا اختلاف مشاهده‌شده در داده‌ها از نظر آماری معنادار است یا خیر. در این پژوهش، شش بعد کالبدی-فضایی، اجتماعی-فرهنگی، زیست-محیطی، اقتصادی-عملکردی، هویتی-تاریخی و فناوری-نوآورانه به‌عنوان شاخص‌های اصلی تحلیل انتخاب شدند. جدول ۶ نتایج به‌دست‌آمده را نشان

جدول ۶. مقایسه میانگین ابعاد انسان‌گرایانه در دو محله با آزمون t مستقل (یافته‌های پژوهش)

بعد	امامزاده یحیی (M ± SD)	مرزداران (M ± SD)	t (df=۳۸۲)	p-value	Cohen's d
کالبدی-فضایی	۳/۴۰ ± ۰/۴۰	۳/۸۴ ± ۰/۳۹	-۱۰/۹۰	<۰/۰۰۱	۱/۱۱- (بزرگ)
اجتماعی-فرهنگی	۳/۹۵ ± ۰/۳۶	۳/۲۲ ± ۰/۳۹	۱۹/۱۷	<۰/۰۰۱	۱/۹۶ (خیلی بزرگ)
زیست-محیطی	۳/۵۷ ± ۰/۴۱	۳/۲۸ ± ۰/۳۸	۷/۱۲	<۰/۰۰۱	۰/۷۳ (متوسط)
اقتصادی-عملکردی	۲/۸۸ ± ۰/۳۷	۳/۸۹ ± ۰/۳۹	-۳۶/۲۰	<۰/۰۰۱	۲/۶۷- (خیلی بزرگ)
هویتی-تاریخی	۴/۳۶ ± ۰/۳۵	۲/۸۲ ± ۰/۳۶	۴۰/۳۱	<۰/۰۰۱	۴/۱۱ (خیلی بزرگ)
فناوری-نوآورانه	۲/۵۹ ± ۰/۴۱	۳/۹۰ ± ۰/۳۶	-۳۳/۵۶	<۰/۰۰۱	۳/۴۳- (خیلی بزرگ)

بافت قدیم (امامزاده یحیی) و بافت جدید (مرزداران) را به‌طور هم‌زمان فراهم می‌کند.

جدول ۷. نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برای ابعاد انسان‌گرایانه (یافته‌های پژوهش)

آزمون چندمتغیره	مقدار آماره	F (df)	p-value	Partial η^2
Pillai's Trace	۰/۹۱۳	F(۶, ۳۷۷) = ۶۶/۹	<۰/۰۰۱	۰/۹۱

نتایج MANOVA نشان داد که الگوی کلی شش بُعد انسان‌گرایانه میان دو محله تفاوت بسیار معناداری دارد (Pillai's Trace = 0.913, p < 0.001) (جدول ۷) که نشان‌دهنده اثر تعیین‌کننده بافت شهری بر تحقق ابعاد انسان‌گرایانه است. برای شناسایی تفاوت‌های هر بُعد، آزمون‌های تک‌متغیره ANOVA نیز انجام شد (جدول ۸).

تفاوت میانگین ابعاد انسان‌گرایانه بین دو محله از نظر آماری معنادار بود ($p < 0.001$). امامزاده یحیی در ابعاد «اجتماعی-فرهنگی» و «هویتی-تاریخی» بالاتر از مرزداران است که نشان‌دهنده انسجام اجتماعی و هویت مکانی قوی‌تر در بافت‌های قدیمی است. در مقابل، مرزداران در ابعاد «کالبدی-فضایی»، «اقتصادی-عملکردی» و «فناوری-نوآورانه» بالاتر بوده و مزیت‌های محلات جدید در زیرساخت و کارکردهای شهری را نشان می‌دهد. تفاوت‌ها در بعد «زیست-محیطی» کم‌تر، اما معنادار است و چالش‌های مشابه زیست-محیطی در هر دو محله را بازتاب می‌دهد. اندازه اثر برخی ابعاد بسیار بالا (مثلاً بعد هویتی) بود که اهمیت عملی یافته‌ها را تأیید می‌کند.

آزمون MANOVA و ANOVA: به‌منظور بررسی تفاوت هم‌زمان ابعاد مختلف انسان‌گرایی بین دو محله، از تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. این روش امکان بررسی الگوی کلی ابعاد و تعیین تمایز معنادار میان

جدول ۸. نتایج آزمون‌های ANOVA برای ابعاد انسان‌گرایانه (یافته‌های پژوهش)

بعد	F (۳۸۲, ۱)	p-value	Partial η^2	تفسیر
کالبدی-فضایی	۱۱۸/۷	<۰/۰۰۱	۰/۲۴	مرزداران بالاتر
اجتماعی-فرهنگی	۳۶۸/۶	<۰/۰۰۱	۰/۴۹	امامزاده یحیی بالاتر
زیست-محیطی	۵۰/۷	<۰/۰۰۱	۰/۱۲	امامزاده یحیی اندکی بالاتر
اقتصادی-عملکردی	۶۸۶/۶	<۰/۰۰۱	۰/۶۴	مرزداران بالاتر
هویتی-تاریخی	۱۶۲۵/۱	<۰/۰۰۱	۰/۸۱	امامزاده یحیی بالاتر
فناوری-نوآورانه	۱۱۲۶/۲	<۰/۰۰۱	۰/۷۵	مرزداران بالاتر

«زیست-محیطی» معنادار اما کم‌تر بود و چالش‌های مشترک زیست-محیطی را نشان می‌دهد. این نتایج حاکی از نقاط قوت و ضعف متمایز هر بافت شهری و ضرورت طراحی سیاست‌های ترکیبی برای بهره‌گیری از مزیت‌ها و جبران کاستی‌هاست.

مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM): برای بررسی روابط درونی و مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم ابعاد انسان‌گرایی، از مدل‌سازی معادلات

آزمون‌های ANOVA نشان داد که امامزاده یحیی در ابعاد «اجتماعی-فرهنگی» و «هویتی-تاریخی» نمرات بالاتری دارد، بازتاب‌دهنده انسجام اجتماعی و سرمایه فرهنگی قوی‌تر در بافت تاریخی است. در مقابل، مرزداران در ابعاد «کالبدی-فضایی»، «اقتصادی-عملکردی» و «فناوری-نوآورانه» عملکرد بهتری نشان داد که نشان‌دهنده مزایای زیرساخت، توسعه اقتصادی و فناوری در محلات جدید است. تفاوت‌ها در بعد

AVE بالاتر از ۰/۵ بودند و پایایی ترکیبی (CR) همه سازه‌ها بالاتر از ۰/۸۵ گزارش شد که نشان‌دهنده اعتبار بالای سازه‌ها برای تحلیل روابط ساختاری است (جدول ۹).

ساختاری (SEM) با نرم‌افزار *Smart PLS 4* استفاده شد. این روش امکان تحلیل هم‌زمان چندین متغیر مکنون و مشاهده‌ای و کارایی در نمونه‌های نسبتاً کوچک و داده‌های غیرنرمال را فراهم می‌کند. ابتدا روایی و پایایی سازه‌ها بررسی شد؛ بارهای عاملی همه گویه‌ها بالاتر از ۰/۶ و مقادیر جدول ۹. روایی همگرا و واگرا (یافته‌های پژوهش)

سازه	بارهای عاملی λ	AVE	CR	تفسیر
هویتی-تاریخی	۰/۸۸-۰/۶۰	۰/۵۵	۰/۸۹	پایایی عالی
اجتماعی-فرهنگی	۰/۶۲-۰/۸۵	۰/۵۷	۰/۹۱	پایایی عالی
زیست‌محیطی	۰/۶۴-۰/۸۰	۰/۵۳	۰/۸۷	پایایی عالی
کالبدی-فضایی	۰/۶۱-۰/۸۳	۰/۵۶	۰/۸۸	پایایی عالی
اقتصادی-عملکردی	۰/۶۵-۰/۸۶	۰/۵۸	۰/۹۲	پایایی عالی
فناوری-نوآورانه	۰/۶۷-۰/۸۷	۰/۶۰	۰/۹۶	پایایی عالی

تحلیل مسیرهای ساختاری نشان داد که ابعاد هویتی-تاریخی به‌طور غیرمستقیم انسجام اجتماعی را تقویت کرده و این انسجام به بهبود شرایط زیست‌محیطی و کیفیت زندگی کمک می‌کند. در مقابل، ابعاد کالبدی-فضایی مستقیماً توسعه اقتصادی را تسهیل کرده و ورود فناوری‌های نوین را ممکن می‌سازد. مسیرها دو روند مکمل را نشان می‌دهند: مسیر هویت-اجتماع در محلات قدیمی و مسیر کالبد-اقتصاد در محلات جدید. مسیرها و میزان اثرگذاری آن‌ها در جدول ۱۱ ارائه شده است.

کیفیت مدل با شاخص‌های *SRMR* و *NFI* سنجیده شد. مقدار *SRMR* کم‌تر از ۰/۰۸ و *NFI* بالاتر از ۰/۹ بود که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است و قابلیت استناد نتایج *SEM* را تأیید می‌کند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. شاخص‌های برازش مدل (یافته‌های پژوهش)

شاخص	مقدار	حد قابل قبول	تفسیر
SRMR	۰/۰۶۱	< ۰/۰۸	قابل قبول
NFI	۰/۹۱	≥ ۰/۰۹	خوب

جدول ۱۱. مسیرهای ساختاری (β و سطح معناداری) (یافته‌های پژوهش)

مسیر	β	p	تفسیر
هویتی-تاریخی → اجتماعی-فرهنگی	۰/۷۲	۰/۰۰۱ >	اثر مثبت و قوی
اجتماعی-فرهنگی → زیست‌محیطی	۰/۵۴	۰/۰۰۱ >	اثر مثبت
کالبدی-فضایی → اقتصادی-عملکردی	۰/۶۸	۰/۰۰۱ >	اثر مثبت
اقتصادی-عملکردی → فناوری-نوآورانه	۰/۷۶	۰/۰۰۱ >	اثر مثبت و قوی
هویتی-تاریخی → زیست‌محیطی (غیرمستقیم از طریق اجتماعی)	۰/۳۹	۰/۰۱ >	اثر غیرمستقیم معنادار

خلاصه‌ای از تم‌ها، زیرتم‌ها، نمونه نقل‌قول‌ها و مقایسه دو محله ارائه می‌دهد.

تحلیل ترکیبی نشان داد که هر یک از دو محله نقاط قوت و ضعف متمایزی دارند که در ابعاد هویتی، اجتماعی، کالبدی، خدماتی و فناوریانه نمود می‌یابد. امام‌زاده یحیی با سرمایه اجتماعی قوی و غنای هویتی بالا، با چالش‌هایی در زیرساخت، کیفیت کالبدی و دسترس‌پذیری مواجه است. مرزداران بازیرساخت‌های مدرن، حمل‌ونقل منظم و فناوری‌های هوشمند، تجربه فضایی و دسترسی به خدمات بهتری دارند، اما انسجام اجتماعی و هویت جمعی در آن محدود است. این دوگانگی میان «هویت-اجتماع» در بافت تاریخی و «کالبد-فناوری» در بافت جدید نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی شهری باید هم‌زمان به تقویت ابعاد اجتماعی و هویتی و بهبود زیرساخت‌ها و فناوری‌ها توجه کند تا شهری انسان‌محور، متوازن و پایدار تحقق یابد.

در نهایت، مدل *SEM* تأیید کرد که ترکیب ابعاد هویتی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی به توسعه شهری انسان‌محور و متوازن کمک می‌کند. مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم اهمیت بافت‌های تاریخی، انسجام اجتماعی، حفاظت محیطی، توسعه اقتصادی و فناوری نو را برجسته کرده و بر ضرورت سیاست‌گذاری هم‌زمان در تقویت هویت اجتماعی و ارتقای زیرساخت‌های کالبدی و اقتصادی برای تحقق توسعه شهری پایدار تأکید دارد.

یافته‌های کیفی

تحلیل تماتیک تجربه زیسته ساکنان دو محله را به‌صورت چندبعدی روشن می‌سازد. از ۳۱۲ کد باز، ۱۸ زیرتم و ۷ تم اصلی استخراج شد که واقعیت‌های اجتماعی، کالبدی و فرهنگی هر محله و همچنین شکاف‌های ساختاری بین بافت تاریخی و جدید تهران را منعکس می‌کند. جدول ۱۲

جدول ۱۲. یافته‌های کیفی بر اساس تم‌ها و مقایسه دو محله (یافته‌های پژوهش)

تم اصلی	زیر تم‌ها / شاخص‌ها	نمونه نقل قول	امامزاده یحیی	مرزداران	ارتباط با یافته‌های کمی	نکته تکمیلی
هویت و تعلق مکانی	عناصر تاریخی، آیینی، مساجد و حسینیه‌ها، حافظه جمعی	«این مسجد و حسینیه نقطه اتصال همه است؛ اینجا خانه ماست»	تقویت سرمایه نمادین، هویت جمعی قوی	محدودیت هویت جمعی	میانگین بعد هویتی بالاتر در امامزاده یحیی	مکان صرفاً کالبد نیست، میدان اجتماعی باز تولید هویت است
انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی	روابط همیاری، اعتماد متقابل، شبکه‌های اجتماعی	«اگر کسی بیمار شود... همسایه‌ها سریع دور هم جمع می‌شوند»	شبکه‌های همیاری قوی، حمایت متقابل فعال	ضعف شبکه‌های اجتماعی، کمبود تعاملات	سرزندگی اجتماعی بالاتر در امامزاده یحیی	همبستگی اجتماعی محلی، پشتیبان کنش جمعی
کیفیت کالبدی و دسترسی‌پذیری	فرسودگی کالبدی، خیابان‌ها، زیرساخت‌ها، حمل و نقل، پیاده‌روها	«ایستگاه اتوبوس نزدیک است و پیاده‌روها مناسب»	کمبود زیرساخت، فرسودگی و مشکلات دسترسی	خیابان‌های منظم، مبلمان شهری استاندارد، دسترسی‌پذیری مطلوب	تفاوت معنادار شاخص کالبدی	شاخص عدالت فضایی هاروی در هر محله متفاوت است
خدمات محلی و فرصت‌های اقتصادی	مراکز خدماتی کوچک، مشاغل محلی، دسترسی به خدمات عمومی	«از آپ شهرداری برای ثبت مشکل استفاده می‌کنم؛ پاسخ‌دهی سریع بود»	محدودیت خدمات و فرصت‌های اقتصادی	حضور گسترده مراکز خدماتی، دسترسی آسان	کیفیت خدمات و فرصت اقتصادی بالاتر در مرزداران	خدمات محلی تسهیل‌کننده زندگی روزمره
فناوری و نوآوری شهری	اپلیکیشن‌های شهری، فناوری هوشمند، مدیریت شهری دیجیتال	«اپلیکیشن شهرداری کارم را راحت کرده و سریع پاسخ می‌دهند»	استفاده محدود از فناوری	استفاده گسترده از فناوری و اپلیکیشن‌ها	تحقق نسبی شهر هوشمند انسان‌محور در مرزداران	اتکالی صرف به فناوری بدون بعد اجتماعی منجر به «شهر شکاف‌دار» می‌شود
آسایش زیست‌محیطی و فضای سبز	درختان، سایه خیابان‌ها، پارک‌ها، محیط طبیعی و طراحی شهری	«درخت‌های کوچه سایه خوبی دارند و هوا را خنک می‌کنند؛ بچه‌ها راحت بازی می‌کنند.» / «پارک محله نزدیک خانه است و صبح‌ها با خانواده قدم می‌زنم.»	درختان و سایه‌های خیابانی، آسایش حرارتی	پارک‌های محلی و فضای سبز برنامه‌ریزی شده	منابع متفاوت کیفیت محیطی	میراث طبیعی VS طراحی برنامه‌ریزی شده
نابرابری زیرساختی و کاستی‌ها	آب گرفتگی، روشنایی، فرسودگی نهادهای عمرانی	«هر بار باران می‌آید، کوچه‌ها آب گرفتگی می‌شود و شب‌ها چراغ‌ها روشن نیستند.» / «خیابان‌ها و روشنایی خوب است، ولی مسیرها گاهی شلوغ هستند.»	مشکلات زیرساختی، ضعف روشنایی، فرسودگی نهادهای	حداقل مشکلات زیرساختی	نمرات پایین‌تر بعد کالبدی و اقتصادی در امامزاده یحیی	ضرورت مداخلات بازآفرینی هدفمند بدون تخریب سرمایه هویتی

نتیجه‌گیری

و الگوی مبتنی بر «کالبد، اقتصاد و فناوری» در بافت جدید. این دوگانگی بیانگر آن است که تحقق کامل شهرسازی انسان‌گرا مستلزم نگاه تک‌بعدی نیست، بلکه نیازمند رویکردی تلفیقی و متوازن است که بتواند نقاط قوت هر دو نوع بافت را در یک چارچوب بومی و یکپارچه ادغام کند.

بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در محلات تاریخی، مداخلات شهری با تمرکز بر بازآفرینی سازگار، ارتقای زیرساخت‌ها و بهبود خدمات شهری انجام شود، به گونه‌ای که ضمن افزایش کیفیت کالبدی، ارزش‌های هویتی و سرمایه اجتماعی حفظ گردد. در محلات جدید نیز طراحی فضاهای عمومی سرزنده، تقویت فعالیت‌های جمعی و برنامه‌های اجتماعی-فرهنگی می‌تواند به ارتقای حس تعلق و انسجام اجتماعی کمک کند. در سطح کلان، مدیریت شهری می‌تواند با اتخاذ راهبردی ترکیبی و انسان‌محور، زمینه ارتقای پایدار کیفیت زندگی شهری را در محلات مختلف تهران فراهم آورد.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تنها از طریق هم‌افزایی میان سرمایه اجتماعی و هویت فرهنگی بافت‌های تاریخی از یک سو و ظرفیت‌های زیرساختی و فناوریانه بافت‌های جدید از سوی دیگر، می‌توان به الگویی متوازن، عادلانه و بومی برای تحقق شهرسازی انسان‌گرا در کلان‌شهر تهران دست یافت.

پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی به بررسی میزان تحقق شاخص‌های انسان‌گرایانه در دو محله با ویژگی‌های متفاوت در شهر تهران، شامل محله امامزاده یحیی به عنوان نمونه‌ای از بافت تاریخی و محله مرزداران به عنوان نمونه‌ای از بافت جدید، پرداخت. یافته‌های کمی و کیفی نشان داد که تحقق انسان‌گرایی در هر یک از این محلات تابعی از زمینه‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فناوریانه آن‌هاست و هیچ‌یک به تنهایی قادر به پاسخ‌گویی جامع به تمامی ابعاد انسان‌محور شهرسازی نیستند.

نتایج نشان داد محله امامزاده یحیی در ابعاد اجتماعی-فرهنگی و هویتی-تاریخی وضعیت مطلوب‌تری دارد و از انسجام اجتماعی، حس تعلق مکانی و سرمایه فرهنگی قوی‌تری برخوردار است، در حالی که این محله با چالش‌هایی همچون فرسودگی کالبدی، ضعف زیرساخت‌ها و محدودیت خدمات شهری مواجه است. در مقابل، محله مرزداران در ابعاد کالبدی-فضایی، اقتصادی-عملکردی و فناوریانه-نوآورانه عملکرد بهتری نشان می‌دهد و از زیرساخت‌های مدرن، دسترسی مناسب و فناوری‌های شهری بهره‌مند است، اما در زمینه تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری هویت جمعی با محدودیت‌هایی روبه‌روست.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که دو الگوی متفاوت اما مکمل در این محلات وجود دارد: الگوی مبتنی بر «هویت و اجتماع» در بافت تاریخی

پی‌نوشت‌ها

1. Nasiri.
3. Farazi.

2. Kamarrusta & Babakhani.
4. Aslani.

5. Shirooyehpour.
7. Heitlinger & Comber.

6. Graells-Garrido.
8. van Veghel.

9. Bastanian-Shahgoli.
11. Hassani-nejad.
13. MANOVA.
14. Structural Equation Modeling (SEM).
15. Smart PLS.
17. Topomap.
19. Ghanei.
21. Jiang.
23. Rodriguez.
25. William H. Whyte.
27. Congress for the New Urbanism.
28. Jan Gehl.
30. Gharehbaghlou.
32. Cohen's d.
10. Zareian.
12. Braun & Clarke.
16. Wikipedia.
18. Nastaran.
20. Kolbadi.
22. Boeing.
24. Jane Jacobs.
26. Kevin Lynch.
29. Haqnegahdar.
31. p-value.

فهرست منابع

- Aslani, E., Minaei, N., & Nikpour, M. (2019). Designing urban spaces with an emphasis on humanistic context. *National Conference on Humanistic Architecture and Urban Planning* [Tarahi-e fazaha-ye shahri ba ta'kid bar zamaneh-ye ensangarane]. Qazvin. <https://civilica.com/doc/248914> (in Persian)
- Bastanian Shahgoli, M., Panahi, A., & Abdollahzadeh Taraf, A. (2018). Evaluating the indicators of urban life quality in old and new textures of Tabriz (Case study: Koch- e Bagh and Marzadaran) [Arzyabi-e shakhse ha-ye kefiat-e zendegi-e shahri dar baftha-ye ghadim va jadid-e shahr-e Tabriz (nemuneh-ye moredi: Marzadaran va Kooche-bagh)]. *Sociological Studies*, 11(39), 73-89 <https://sanad.iau.ir/Journal/jss/Article/957765> (in Persian)
- Boeing, G., Batty, M., Jiang, S., & Schweitzer, L. (2021). Urban analytics: History, trajectory, and critique. *arXiv*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2105.07020>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Congress for the New Urbanism. (1996). *Charter of the new urbanism*. Congress for the New Urbanism. https://www.cnu.org/sites/default/files/NewFaceOfAmericanPublicHousing_1.pdf
- Farazi, M. M. (2021). Examining the role of walkability on urban vitality and sustainability with an emphasis on human-centered urbanism (Case study: Chamran Boulevard, Shiraz) [Barresi-ye naghsh-e payade-modari bar sarzandegi va paydari-e fazaye shahri ba royek-ardi bar shahrvarzi-ye ensangara (Motala'eh moredi: Bulvar-e Chamran-e Shiraz)]. *Payashahr*, 3(29), 63-78. <https://civilica.com/doc/1273417/> (in Persian)
- Ghanei, M., Esmailpoor, N., & Saraei, M. H. (2017). Evaluating quality of life in neighborhoods in order to improve quality of life (case study: Ghale neighborhood, Bafgh) [Sanjesh-e keyfiat-e zendegi dar mahallat-e shahri dar rastaye ertegha-e keyfiat-e zendegi (Motala'eh moredi mahalleh-ye ghaleh shahr-e Bafgh)]. *Research and urban planning*, 8(28), 21-44.. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.139.6.8.28.2.4> (in Persian)
- Gharehbaglou, M., Motalabi, G. & Saba, S. (2019). Recognizing the Concept of Value in Human-Environment Relations in Open Spaces for Traditional Iranian Residential Buildings [Bazshenasi-ye mafhum-e arzesh dar rabateh ensan va mohit dar fazahaye baz-e sokoona-ti dar memari-ye sonnati-ye Iran]. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 24(1), 101-114. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2019.270845.672174> (in Persian)
- Gehl, J. (2010). *Cities for people*. Island Press. <https://islandpress.org/books/cities-people#desc>
- Graells-Garrido, E., Serra-Burriel, F., Rowe, F. M., Cucchiatti, F. M., & Reyes, P. (2021). A city of cities: Measuring how 15-minutes urban accessibility shapes human mobility in Barcelona. *arXiv*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.2103.15638>
- Haghnegahdar, K., Sholeh, M., Lotfi, S., & Sadeghi, A. (2024). Evaluation of the Impact of Urban Geometric Transformation on Microclimatic Conditions and Thermal Comfort (Case Study: Sang-e Siah Historical Quarter, Shiraz) [Arzyabi-ye payamadhaye degar-gooni-ye hendeseh-ye shahri bar sharayet-e khordegh-e eghlimi va asayesh-e hararati (Motala'eh moredi: Mahalleh-ye tarikhi-ye sang-e siah)]. *Urban Studies*, 14(53), 3-18. <https://doi.org/10.22034/urbs.2024.140859.5017> (in Persian)
- Hassani-Nejad, A., Masibi, S., & Hassani-Nejad, A. (2016). Evaluation and measurement of urban neighborhood quality of life indicators (Case study: Hajjiabad, Fars) [Arzyabi va sanjesh-e shakhes-haye keyfiat-e zendegi dar mahallat-e shahri (Motala'eh moredi: hajjiabad-e fars)]. *Geography and Regional Development*, 14(1), 165-184. <https://doi.org/10.22067/geography.v14i1.42347> (in Persian)
- Heitlinger, S., & Comber, R. (2018). Design for the right to the smart city in more-than-human worlds. *ArXiv*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.1803.10530>
- Jacobs, J. (1961). *The death and life of great American cities*. <https://www.randomhousebooks.com/books/86058/>
- Jiang, B. (2019). Alexander's wholeness as the scientific foundation of sustainable urban design and planning. *arXiv*. <https://doi.org/10.48550/arXiv.1909.11755>
- Kamarrusta, M., & Babakhani, M. (2019). Reflections on human-centered theories in urban planning [Ta'amoli bar teoriyeh ensangarane dar shahrvarzi]. In *6th National Congress on Civil Engineering, Architecture, and Urban Development, Tehran*. <https://civilica.com/doc/1003083> (in Persian)
- Kolbadi, N., Habib, F., & Toghyani, Sh. (2020). Analysis of Sustainability in Urban Communities According to Urban Environmental Quality in the Old Geography of Tehran, (Case Study: Sanglag) [Vakavi-ye paydari-ye mahallat-e shahri ba ta'kid bar keyfiat-e mohit dar jogh-rafiaye ghadim-e Tehran (Nemune moredi: Mahalleh Sangalaj)]. *Journal of Environmental Science and Technology*, 22(7), 319-334. <https://doi.org/10.22034/jest.2021.34965.4203> (in Persian)
- Lynch, K. (1960). *The image of the city*. MIT Press. <https://mitpress.mit.edu/9780262620017/the-image-of-the-city/>
- Nasiri, S., Saremi, H. & Ahmadi, M. (2022). Participatory foresight with a humanist urban planning: case study: Tehran with reference to sustainability [Ayandeh negari-ye mosharekat mehvar-e mabni bar shahrvarzi-ye ensangara dar shahr-e Tehran ba royek-ardi be paydari]. *Naghsh-e-jahan - Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 12(4), 142-163. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.2322499.1.1401.12.4.6.2> (in Persian)
- Nastaran, M., Ahmadi, Q., & Aghazadeh Moghaddam, S. (2015). The Assessment of the Quality of Urban Life in the Neighborhoods of Old and New City of Urmia [Arzyabi-ye keyfiat-e zendegi-ye shahri dar mahallat-e baft-e ghadim va jadid-e shahr-e Orumiyeh]. *Journal of Iranian Social Development Studies*, 3(7), 7-33. <https://sanad.iau.ir/Journal/jisds/Article/821478/> (in Persian)
- Rodriguez, M. (2024). Human-centred urban design: Small interven-

- tions, big impact for habitable cities. *WIT Transactions on Ecology and the Environment*, 26(2), 177–186. <https://doi.org/10.2495/SDP240151>
- Shirooyehpour, Sh., Mortazavi, S. M., & Bayat, R. (2024). A model of factors affecting the future development of sustainable smart cities with an emphasis on optimal energy management [Eraye model-e avamel-e moasser bar toseh-e ayandeh-e shahrhaye hoshmand-e paydar ba ta'kid bar modiriyat-e behine energy]. *Urban Economics and Planning*, 4(4), 116–130. <https://doi.org/10.22034/uep.2024.423160.1424> (in Persian)
- Topomap.ir. (2025). *Topographic map of Iran* [Joghrafiya va tosee nahiyee]. <https://topomap.ir> (in Persian)
- van Veghel, J., Dane, G., Agugiaro, G., & Borgers, A. (2024). Human-centric computational urban design: Optimizing high-density urban areas to enhance human subjective well-being. *Computational Urban Science*, 4(1), Article 12. <https://doi.org/10.1007/s43762-024-00124-2>
- Wikipedia contributors. (n.d.). *Persian Wikipedia*. Retrieved from <https://fa.wikipedia.org/>
- Whyte, W. H. (1980). The social life of small urban spaces. *Project for Public Spaces*. <https://streetlifestudies.wordpress.com/wp-content/uploads/2017/06/1980-whyte-small-spaces-book.pdf>
- Zareian, M., Esmailpoor, N. & Akbari, R. (2020). Assessing the Quality of Life in the Historic District Neighborhoods and Factors affecting it Case Study: Historic District of Yazd City [Sanjesh-e keyfiyat-e zendegi dar mahallat-e baft-e tarikhi va avamel-e moasser bar an nemuneh pazhuhash: Baft-e tarikhi-e shahr-e Yazd]. *Geography and Environmental Planning*, 31(1), 121–142. <https://doi.org/10.22108/gep.2020.119018.1201> (in Persian)
- اصلانی، احسان، مینایی، نگین و نیکپور، منصور (۱۳۹۲). طراحی فضاهای شهری با تأکید بر زمینه انسان گرایانه. همایش ملی معماری و شهرسازی انسان گر قزوین. <https://civilica.com/doc/248914>
- باستانیان شاهگلی، مریم؛ پناهی، علی و عبداللهزاده طرف، اکبر (۱۳۹۷). ارزیابی شاخصهای کیفیت زندگی شهری در بافت‌های قدیم و جدید شهر تبریز (نمونه موردی: مرزداران و کوچه‌باغ). *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۱ (۳۹)، ۷۳–۸۹. <https://sanad.iau.ir/Journal/jss/Article/957765>
- توپومپ (۱۴۰۴). نقشه ماهوارهای ایران. <https://topomap.ir>
- حسینی‌نژاد، آسیه، مسیبی، سمانه و حسینی‌نژاد، اردلان (۱۳۹۵). ارزیابی و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات شهری (مطالعه موردی: حاجی‌آباد فارس). *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۱۴ (۱)، ۱۶۵–۱۸۴. <https://doi.org/10.22067/geography>
- [v14i1.42347](https://doi.org/10.22034/urbs.2024.140859.5017)
- حق‌نگهدار، کیمیا، شعله، مهسا، لطفی، سهند و صادقی، علیرضا (۱۴۰۳). ارزیابی پیامدهای دگرگونی هندسه شهری بر شرایط خرد اقلیمی و آسایش حرارتی (مطالعه موردی: محله تاریخی سنگ‌سیاه). *فصلنامه مطالعات شهری*، ۱۴ (۵۳)، ۱۸–۳۰. <https://doi.org/10.22034/urbs.2024.140859.5017>
- زارعیان، مهسا، اسمعیل‌پور، نجم‌ا و اکبری، رضا (۱۳۹۹). سنجش کیفیت زندگی در محلات بافت تاریخی و عوامل مؤثر بر آن نمونه پژوهش: بافت تاریخی شهر یزد. *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، ۳۱ (۱)، ۱۲۱–۱۴۲. <https://doi.org/10.22108/gep.2020.119018.1201>
- شیرویه‌پور، شهریار، مرتضوی، سید مرتضی و بیات، روح‌الله (۱۴۰۲). ارائه مدل عوامل مؤثر بر توسعه آینده شهرهای هوشمند پایدار با تأکید بر مدیریت بهینه انرژی. *نشریه اقتصاد و برنامه‌ریزی شهری*، ۴۴ (۴)، ۱۱۶–۱۳۰. <https://doi.org/10.22034/uep.2024.423160.1424>
- فرازی، محمدمهدی (۱۴۰۰). بررسی نقش پیاده‌مداری بر سرزندگی و پایداری فضای شهری با رویکردی بر شهرسازی انسان‌گرا (مطالعه موردی: بلوار چمران شیراز). [پایاشهر](https://civilica.com/doc/1273417)، ۳ (۲۹)، ۶۳–۷۸. <https://civilica.com/doc/1273417>
- قانع، محبوبه، اسمعیل‌پور، نجم‌ا و سرائی، محمدحسین (۱۳۹۶). سنجش کیفیت زندگی در محلات شهری در راستای ارتقاء کیفیت زندگی (مطالعه موردی: محله قلعه شهر بافت). *فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، ۸ (۲)، ۲۱–۴۴. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22285229.1396.8.28.2.4>
- قره‌بگلو، مینو، مطلبی، قاسم و صبا، سامان (۱۳۹۸). بازشناسی مفهوم ارزش در رابطه انسان و محیط در فضاهای باز سکونتی در معماری سنتی ایران. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۲۴ (۱)، ۱۰۱–۱۱۴. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2019.270845.672174>
- کلبادی، نبی‌اله، حبیب، فرح و طغیانی، شیرین (۱۳۹۹). واکاوی پایداری محلات شهری با تأکید بر کیفیت محیط در جغرافیای قدیم تهران (نمونه موردی: محله سنگلج). *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۷ (۲۲)، ۳۱۹–۳۳۴. <https://doi.org/10.22034/jest.2021.34965.4203>
- کمروستا، محمد و باباخانی، ملیحه (۱۳۹۸). تأملی بر تئوری‌های انسان‌گرایانه در شهرسازی. *ششمین کنگره ملی عمران، معماری و توسعه شهری*. تهران. <https://civilica.com/doc/1003083>
- نصیری، شیماء، صارمی، حمیدرضا و احمدی، ملیحه (۱۴۰۱). آینده‌نگاری مشارکت‌محور مبتنی بر شهرسازی انسان‌گرا در شهر تهران با رویکردی به پایداری. *نقش جهان - مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی*، ۱۲ (۴)، ۱۴۲–۱۶۳. <https://dori.net/dor/20.1001.1.2322499.1.1401.12.4.6.2>
- نسترن، مهین، احمدی، قادر و آقازاده مقدم، سهند (۱۳۹۴). ارزیابی کیفیت زندگی شهری در محلات بافت قدیم و جدید شهر ارومیه. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۳ (۷)، ۳۳–۷. <https://sanad.iau.ir/Journal/jisds/Article/821478>